

از کان دادگشته چنین می‌باید: «گروه‌های  
تامیر و تعمیر با وجود بیمه و رزان و ماحسان صنایع  
که در بازار و کارگاه‌های خود را برای انجام کارهای  
تولیدی هستند خواه و پایداری ندارند.  
مالک ابریعت حال تحار و بمنشور از  
وصیگران راه مامورس و کاشان خود را نصی  
و سفارش سما جوں آنان هستند که با کوشش و  
دسترنج خود به مردم سود میرسانند آنان مواد  
اصلی و پایه‌های منافع و آسایش و راحتی مردم  
هستند...»

باز این اتفاق مبتداست که از این  
دو دسته فرار می‌داد و می‌گفتند که مطابق دلهاد  
سارستان، مواد تجاری را فراهم ساز و بدهی  
هم که بیرون از این احتمال این عملکردن و دادن  
اورش احتمال به حسن بود و از رسک کالا در  
دست تولید کننده و مصرف کننده آن یکان  
نمی‌بایست. (۱)

بدینترتیب برخلاف بیمار برخی از  
معدان مکتبی اقتصادی تجارت خود تولید  
و تکمیل تولید شناسو و نظریه‌سازی مسخری تاجر  
رساندن حسن به مصرف کننده کسر از انتشار  
واهنهای تولید و توزیع است.

رکن اجتماع

نخار و اضافه هستند که ارسرمهای  
دور دست و از حنکهای و دریاها و سائل همیشت  
هر دم را تامین و به سازارها و راه می سازند.  
آن در راه ناجیان سیارهای خوش و  
مردم + سرمهایی می بروند که اغلب مردم  
حرکات رفت و آمد و مسافت های سرمهای را  
شمارید کارهای ایشان را در مرکز و گوشه و کنار  
ملکت مورد بررسی و عنایت فرار سده امدادان  
سامعی اهمیت که طبقه پیشه و روان و صنعتگران  
اربد باز در بسیاری از آن ساختگری هی حد و  
مخل و اساساً سکوهده و خوددارد و گرفتار  
بیماری اختکار و اسانشن مواد غذائی و سائل  
صروری مردم را که انتروشی مادریوش به طور  
لحواه و خودخواهی باشد و این کارها باعث  
صرر و خساره هایی و منقصت عربان و اسان  
می باشند از اختکار جلوگیری شوند و رسول

مکتبہ محتوا

از راه تجارت و صنعت



کارهای نوین و عمل اجتماعی پیغامبر کفرت تازم را در آمد تعلیم اجتماعی خود، دیگر سارسیدهای خود را بر طرف سازد و احتیاج بدها میگرد که اینها را از انسان‌خواهی تصریح و محدود شود و از سوی خود انسان‌خواهی نمیگیرند تا من نمایم.

طیبی بور چون همه‌گئی سی تو ایست  
کنیتی سارسیدهای خود را بطور مستقم از تو باد  
کند کان رضاحیان کلا فراهم سازد روی این اصل  
هدایی به عنوان تسبیل افراد اسلام و فراهش  
ساخت و سازی سارسیده میگردد و بروت و سرمایه  
خود را نکاری می‌انداختند و احساس بوزیر سیاست را  
مردم از این صورت مطلع را در احسان‌آستان میگذاشتند  
در واقع تاجر صبور شخص ناتیان بولیه کفایه  
و بحرف کنده بیرون می‌آمد که افسوس را تپا  
محض ناس احتیاجات تحقیق خود را می‌خوبید  
بلکه عنوان ناس احتیاجات عموم وه عنوان  
تجارت، داد، سه صدی و سیستم ایجاد

## تجارت بر اساس اخلاق

خدا (م) از آن منع فرموده است (۱)

مطالعه و ثالث در فواین تجارتی  
اسلام بخوبی روش می‌سازد که اسلام هدف اصلی  
خود را نشانه باشد و مطلع سطح رندگی مادی مردم و  
سهبود وضع خوراک و پوشاک آن می‌داند ،  
بلکه بهره‌آن و سیم تراو آن تکامل روحی و  
ترسیت فضائل اخلاقی و معنوی را منظور داشته  
است از این روش تاکیدهای فردا ای سرای بادگرس  
احکام دینی سجارت قل از مشغول نند به تجارت  
نموده است ناما داد مرتب ریا و سایر محروم  
تجارت گردید .

از امام صادق (ع) نقل شده است که  
علی (ع) در مطر خلاصت خود (درگوشه) گفت  
روز صحیح اول وقت بیرون می‌ماید و در بازارهای  
کوچه کردنش مسکوند به تجارت و سارکانان هشدار  
میداد . و باصدای سلسه سعدی که مردم صدای  
حضرتش را می‌شنیدند و هر کاری که داشتند کار  
می‌گذاشتند و بادل دخان به سختان او گوش فرا  
میدادند می‌فرمود :

از حدادی میر همیزید قل از هر کس از  
خداآوند طلب روری کند سامتر بان میر بای کند  
و خود را به زیور بردباری سوار شد قسم نخورید  
و از دروغ بیوه همیزید و ستمکار سیاشید و با مظلومان  
با انصاف و عدالت رفتار کنید و بدین سایه  
وکم فروشی نکنید و مردم را کوکل سر زندگان و سلک  
دنیای خود را تنه نسازید .

## بسوی عزت و شرف

علی بن خنسه بکی از باران امام ششم  
که کسب و کار و تجارت داشت می‌گویند : روزی ارکارو  
کسب غرب مانده بودم ناجشم حضرت صادق (ع)  
به من افتاد فرمود هر چه زو شتره سوی عزت و شرف  
خود حرکت کن (۲)

## پرورش استعداد در پرتو تجارت

داد و سند علاء بر تامین ساخت و راهنم  
ساخت و سلیمه زندگی افراد ، در اشتغال با افراد  
و دعاشرست بالاتر اعماص گویاگردن باعث رند فکری و  
تفکیت تغذی و اندیشه هی شر می‌گردید که ترک آن  
موχب سعنی عقل و کاهش سیری تغذی است .

امام صادق (ع) در مردم بکی از باران  
خود که تجارت رانگ سوده بود ، می‌فرماید :  
این عمل او یک کارشیطانی است "کتاب علوم انسانی و مطالعات انسانی" .

اسلام در راه توسعه ابعاد تجارت پارا  
مرانی می‌گذارد و می‌فرماید : ( اگر روزی حلال  
جز بآشد سه جز آن در داد و ستد و یک جز آن  
در دامداری و دام پروری است .

(۱) نامه‌ی ۵۵ از نهج البلاغه

(۲) وسائل الشیعه ج ۶ ص ۴